

گزارش زلزله پانصد سال پیش در گیلان در کتاب تاریخ گیلان و دیلمستان، دانشمند، سال

۲۸، شماره ۴، مرداد ۱۳۶۹، ص ۳۲-۳۳.

گزارش زلزله پانصد سال پیش گیلان در کتاب تاریخ گیلان و دیلمستان

تهیه از مهندس محمد باقری

تاریخ گیلان و دیلمستان قدیمیترین سند تاریخی گیلان است که سید ظهیرالدین بن سید نصیرالدین مرعشی در سال ۸۸۰ ق (۸۵۴ ش) نوشتن آن را آغاز کرده و وقایع گیلان و دیلمستان را تا سال ۸۹۴ ق (۸۶۷ ش) در آن نوشته است. این کتاب حاوی مطالب پرارزشی از آداب و رسوم گیلان قدیم و نیز شرح حوادثی است که مولف خود بسیاری از آنها را به چشم دیده است. نسخه خطی منحصر به فرد این کتاب در انگلستان نگهداری می شود. ه. ل. رابینو پروزه شکرپرکار و فاضل فرانسوی در سال ۱۳۳۰ ق (۱۲۹۰ ش) متن این تاریخ را در چاپخانه عروقالونقی در رشت به چاپ رسانده است. چاپ تازه تری از آن را بنیاد فرهنگ ایران در سال ۱۳۴۷ خورشیدی با تصحیح و توضیحات دکتر منوچهر ستوده منتشر کرده است. این کتاب دارای یک مقدمه و هفت باب است و هر باب آن چند فصل دارد. مرعشی در باب هفتم، ضمن شرح وقایع سال ۸۹۰ ق (۸۶۴ ش)، گزارشی از زلزله آن سال که حدود دو ماه طول کشید (از سوم شعبان تا آخر رمضان) عرضه کرده است. با توجه به اینکه در مورد زلزله اخیر گیلان و زنجان نیز پیش بینی شده است که وقوع پس لرزه ها تقریباً تا دو ماه ادامه خواهد یافت بد نیست شرح ماجرا را از قلم مرعشی بخوانیم (از چاپ ۱۳۴۷):

"روز یکشنبه سیم شعبان موافق بیست و هشتم آذر ماه قدیم که آفتاب در سه درجه و صفر دقیقه سنبله بود از تقدیر حکیم علم حلت قدرته قریب به غروب آفتاب زلزله ای عظیم واقع شد و اتفاق

روز یکشنبه سیم شعبان موافق بیست و هشتم آذر ماه قدیم که آفتاب در سه درجه و صفر دقیقه

حسنه را حضرت اعلی خلافت پناه، در باغ دیلمان نماز عصر گذارده به سر سجاده تقوی نشسته، مترصد شام بود که این واقع شد و بسیار عمارات صورت انهدام پذیرفت. اما در بعضی ولایت بیشتر و بعضی جا کمتر بود. مثلاً در ناحیه شکور^۱ در بعضی قرا بیشتر بود و بسیار بنای قدیم منهدم گشت و هفتاد نفر از انات و ذکور در زیر گل و چوب درجه شهادت یافتند. و بعضی را که حیات باقی بود، بعد از یک روز و دو روز (از آنجا بیرون می آوردند و در گرجیان و گلیجان صد و شش نفر به رحمت رفتند. و در رودبارت نیز بسیار فوت شدند. اما عدد به تحقیق معلوم نشد و در قلعه پالینس طالقان هفتاد و هشت نفر از اصحاب قلعه فوت گشتند. و در تنکابن عمارات عالیه از قصر و مساجد و مشاهد و حمامات منهدم گشت و بعضی که تمام نیفتاد شق شد. چنانکه قابل اصلاح نشد. و در رانکو و لاهیجان و گوکه

و کیسم و باشیجا و لشتت شاه، زلزله ای محکم (شد) اما کسی فوت نگشت و آن چنان خرابی واقع نشد. و در دیلمان بسیار از عمارات کهنه بیفتاد اما اهالی را خیر بود. و هشتر کهنه رانکو بعضی بیفتاد. و بسیار مواضع دیلمستان از قلل جبال سنگهای عظیم بغلطید و بسیار مواشی را به هلاک آورد. و در حنده رودبار گرجیان از قلعه کوه، خوکی از هیبت آن زلزله بجهید و در رودخانه بیفتاد و بمرد. و قصر سودابه سرگرجیان که بنایی محکم بود، با زمین هموار شد. و دو نفری که در آن مقام به پائین پائی مشغول بودند، فوت شدند. و بعد از آن حکمت حکیم علیم، هر روزه یک نوبت و دو نوبت زلزله واقع می شد، چنانکه مردم از بناهایی که باقی بود، بیرون آمده، به صحرا بودند و تا آخر رمضان سنه مذکوره همه روزه و یک روز در میان زمین می جنبید. ذالک تقدیر العزیز العلیم.

۱. درست آن "شکور" است. ۲. امروزه "جنت رودبار" خوانده می شود.